



بررسی نقش برنامه درسی پنهان در هدایت دانش‌آموزان دوره متوسطه به سمت رشته علوم انسانی

An Investigation into the Role of the Hidden Curriculum in Guiding High School Students toward Humanities

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۱۹؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۲۲

P. Mashayekh (Ph.D)
A. Ghasemizad (Ph.D)
Z. Mohagheghpourزهرا محقق‌پور^۱پری مشایخ^۲علی‌رضا قاسمی‌زاد^۳

Abstract: The purpose of this research was to investigate role of hidden curriculum in guiding high school students toward humanities. The research method was Mixed Method and the qualitative and quantitative methods have been used to carry it out. Participants were secondary school students who were selected by purposeful sampling. The research data were collected from semi-structured interview and researcher-made questionnaire. In order to determine the reliability of the questionnaires, Cranach's alpha coefficient was used (alpha coefficient, 87%). Questionnaire analyzed using confirmatory factor analysis. Finally, based on the research findings main components 1- environment of the school, 2- administrative and management system of the school, 3- teachers and 4- friends were important factors in directing or not directing students to the humanities, and whether to choose or not to do so.

KeyWords: humanities, hidden curriculum, Guiding high school students.

چکیده: هدف این مقاله بررسی نقش برنامه درسی پنهان در هدایت یا عدم هدایت دانش‌آموزان دوره متوسطه به سوی رشته علوم انسانی می‌باشد. روش تحقیق ترکیبی از نوع اکتشافی - متوالی می‌باشد. در بخش کیفی نمونه تحقیق ۲۲ نفر از دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه به روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد مطلوب و بر اساس قاعده اشباع نظری به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این بخش داده‌های تحقیق با استفاده از مصاحبه گردآوری و بر اساس روش تحلیل مضمون بررسی شد که در نتیجه ۶۰ کد مفهومی پایه استخراج شد. این کدها ابتدا در قالب مضامین سازمان دهنده و سپس در قالب مضامین فراگیر قرار گرفت. در بخش کمی ۳۵۲ نفر از دانش‌آموزان به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. اطلاعات نیز با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شد که دارای روایی و پایایی ($\alpha = 0/87$) قابل قبول بود. نتایج تحلیل عاملی تاییدی نشان داد، چهار مؤلفه اساسی محیط فرادستی آموزشگاه، سیستم اداری و مدیریت آموزشگاه، معلم و دوستان از مؤلفه‌های مهم برنامه درسی پنهان در عدم هدایت دانش‌آموزان به سمت رشته علوم انسانی می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی، برنامه درسی پنهان، هدایت دانش‌آموزان متوسطه.

zmm1399293@gmail.com

pmashayekh19@gmail.com

alirezahashemizad@gmail.com

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، کازرون، ایران

۲. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، کازرون، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، کازرون، ایران

مقدمه و بیان مساله

علوم انسانی یکی از زمینه‌هایی است که دانش‌آموزان دوره متوسطه می‌توانند به عنوان رشته تحصیلی خود انتخاب کنند. اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشور در این زمینه شناسایی، ترغیب، جذب و هدایت نخبگان به سمت این رشته می‌باشد. به طوری که در سند تحول بنیادین (بند ۱۵، راهکار ۲) به تقویت علوم انسانی و پرهیز از غلبه رویکرد فنی و تجربی در آموزش رسمی توجه شده است. در برنامه پنجم توسعه (ماده ۱۹) نیز به هدایت تحصیلی بر اساس علایق و ویژگی‌های دانش‌آموزان، توسعه حرفه‌ای و سرمایه انسانی مورد نیاز کشور اشاره شده است و بر جذب دانش‌آموزان مستعد و علاقمند به رشته ادبیات و علوم انسانی از بین دانش‌آموزان متوسطه اول تأکید شده است. در این اسناد دانش‌آموزان تشویق شده‌اند که علوم انسانی را به عنوان یکی از ارزشمندترین رشته‌های بنیادی را انتخاب کنند چرا که از شاخص‌های تعیین‌کننده میزان بالندگی در امور فرهنگی و علمی هستند.

نگاه تحلیلی به تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی هم بیانگر این حقیقت است که همواره تولید اندیشه‌های پویا و پردازش نظریه‌های نوین و پرچالش توسط اندیشمندان هوشمند و صاحبان تفکر واگرا، در حوزه علوم انسانی بوده است و غالب خانواده‌ها، فرزندان مستعد و سرآمد خود را برای درک هر چه بیشتر زبان و ادبیات فارسی، مفاهیم فلسفی و علوم قرآنی هدایت می‌نمودند. اصولاً انسان باسواد و فرهیخته به کسی اطلاق می‌شد که در عرصه علوم انسانی، بیان، کلام، تبیین مفاهیم نظری و پردازش نظریه‌های نوین تبصر بیشتری داشت (عسکری، سالاری و عامری پور، ۱۳۹۵)، اما در سال‌های اخیر با توجه به آمارهای منتشر شده از سوی آموزش و پرورش بی‌توجهی روز افزون دانش‌آموزان در انتخاب این رشته مشاهده می‌شود. در اکثر تحقیقات وقتی از دانش‌آموزی می‌پرسند که «شما دوست دارید چیکاره شوید؟» پاسخ می‌دهند «دکتر یا مهندس» (رفیع پور، ۱۳۹۰).

از آنجا که مدرسه و کلاس تأثیر مثبتی بر انتخاب مسیر شغلی دانش‌آموزان دارد (متمری^۱، ۲۰۱۷) و یکی از عوامل محیطی مؤثر بر انتخاب رشته دانش‌آموزان دوره متوسطه

بررسی نقش برنامه درسی پنهان در هدایت دانش‌آموزان دوره متوسطه به ...

مدرسه می‌باشد (امین بیدختی و دارایی، ۱۳۹۰)، همچنین مباحث مطرح شده ذیل برنامه درسی پنهان ضرورت توجه به تمامیت آنچه دانش‌آموزان در اثر حضور در متن نظام آموزش رسمی تجربه می‌کنند و می‌آموزند، را یادآوری می‌کند، می‌توان به نقش این برنامه در انتخاب رشته علوم انسانی از سوی دانش‌آموزان توجه نمود. در واقع برنامه درسی پنهان به تدریس ضمنی، غیر رسمی و غیر ملموس نظام ارزش‌ها، هنجارها، طرز برداشت‌ها و جنبه‌های غیر آکادمیک و غیر رسمی مدارس اطلاق می‌شود که متأثر از کل نظام تربیتی است. شامل جنبه‌هایی از آموزش است که فراتر از برنامه درسی قصد شده می‌باشد و به نظر می‌رسد در ارزش‌ها، ادراکات و رفتارهای دانش‌آموزان تأثیر داشته باشد (مهرمحمدی، ۱۳۹۴). لذا پژوهش حاضر در پی شناسایی و بررسی نقش و اهمیت برنامه درسی پنهان در هدایت و یا عدم هدایت دانش‌آموزان به سمت رشته علوم انسانی است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق:

اصطلاح برنامه درسی پنهان توسط فیلیپ جکسون^۱ در سال (۱۹۶۰) وارد ادبیات برنامه درسی شد. وی معتقد بود که شاگردان برنامه درسی پنهان را از طریق جنبه‌های غیرآکادمیک مدرسه که شامل عناصر قدرت، جمعیت و تشویق است در کلاس درس می‌آموزند. جکسون این هنجارهای آموخته شده را برنامه درسی پنهان می‌خواند. پس از جکسون، اندیشمندان زیادی نظیر مایکل اپل^۲، هنری ژیرو^۳ و آیزنر^۴ نیز به تبیین ادبیات، ابعاد و ماهیت این مفهوم پرداختند (صفایی موحد و باوفا، ۱۳۹۶).

برنامه درسی پنهان را می‌توان نوعی دعوت به ژرف نگری در تعلیم و تربیت و ابعاد و لایه‌های گوناگون برنامه درسی دانست (صفایی موحد و باوفا، ۱۳۹۶). این برنامه مجموعه‌ای از یادگیری‌ها در نظام آموزشی است که در بستر فرهنگ حاکم بر محیط آموزشی و بدون آگاهی معلمان و دانش‌آموزان برای دانش‌آموزان حاصل می‌شود (آیزنر، ۱۹۹۴)، برنامه درسی پنهان بخشی از فرایند آموزشی مدرسه است که به سادگی قابل درک نیست (فتحی و اجارگاه و واحده

-
1. Philip Jackson
 2. Michael Apple
 3. Henry Giroux
 4. Eisner

چوکده، (۱۳۸۵)، از یادگیری‌هایی حکایت می‌کند که دانش‌آموز در چهارچوب اجرای برنامه درسی تصریح شده و به دلیل حضور در بطن و متن فرهنگ حاکم بر نظام آموزشی تجربه می‌کنند (هاشمی، خدابخشی و صادق آبادی، ۱۳۹۶).

این تجارب غیرملموس و به ظاهر خاموش در شکل‌گیری ابعاد گوناگون شخصیت و یادگیری دانش‌آموزان مؤثرتر از برنامه درسی رسمی است (طالبی و شریفی، ۱۳۹۴). به طوری که اندیشمندانی چون آیزنر، ژيرو، پیتز^۱ و جاکوبسون^۲ اذعان می‌دارند که مقدار قابل توجهی از یادگیری‌های اساسی فراگیران از طریق پیام‌های پنهان آموخته می‌شوند. پیام‌های پنهانی که به شدت تحت تأثیر زمینه و بستری قرار دارد که آموزش در آن جریان می‌یابد (هواس بیگی و صادقی، ۱۳۹۶).

در واقع هر چیزی که در مدرسه آموخته شود چه به طور هدفمند و چه قصد نشده، شخصیت و جهت‌گیری زندگی افراد را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از همین زوایه است که آسور و گوردون^۳ (۱۹۸۷) معتقدند برنامه درسی پنهان از زمانی مورد توجه محققان و صاحب نظران مختلف قرار گرفت که دریافتند مدارس بیش از ادعاهای خود به دانش‌آموزان می‌آموزند (طالبی و شریفی، ۱۳۹۴).

صاحب نظرانی مثل داگانی^۴ (۲۰۰۹) به بعد اجتماعی این برنامه توجه کردند و معتقدند برنامه درسی پنهان به آموخته‌های دانش‌آموز از روابطش با سایر دانش‌آموزان، معلم، اولیاء مدرسه و جو کلی مدرسه اشاره می‌کند. آنها نقش تعاملات اجتماعی و روانشناختی بین فراگیر و افراد درون مدرسه، مخصوصاً معلم را مهم می‌دانند و معتقدند که نگرش‌ها، باورها و رفتار فراگیران متأثر از این برنامه خواهد بود. افرادی چون برجن هن گون^۵ (۲۰۰۹) و شریف درایا^۶ (۲۰۱۰) نیز به بعد شناختی این برنامه توجه داشتند و معتقد بودند محتوا و تصاویر کتاب‌های درسی حاوی پیام‌های پنهانی است که گاهی مخالف اهداف نظام آموزشی می‌باشد.

-
1. Pitts
 2. Jacobson
 3. Assor & Gordon
 4. Doganay
 - 5-Bergen
 6. Sharifeh Thuraiy

بررسی نقش برنامه درسی پنهان در هدایت دانش‌آموزان دوره متوسطه به ...

بالاخره دسته سوم صاحب نظران مانند وبر^۱ (۲۰۰۹) و فریتز^۲ (۲۰۰۹) به بعد فیزیکی این برنامه پرداختند و به تأثیر انواع ساختارهای فیزیکی مدرسه و کلاس درس، نحوه چیدمان میز و نیمکت‌ها، صدا یا ویژگی‌های صوتی، کیفیت نور و روشنایی بر احساسات و انگیزش دانش‌آموزان توجه کردند (به نقل از بیان فر، ملکی و سیف، ۱۳۸۹).

به طور کلی می‌توان گفت برنامه درسی پنهان در آموزشگاه، یادگیری‌های ضمنی دانش‌آموزان از محیط فیزیکی، شناختی و اجتماعی مدرسه می‌باشد که تأثیر زیادی در موفقیت و عدم موفقیت برنامه‌های درسی آشکار دارد. در این پژوهش به صورت تلفیقی نقش این سه محیط در انتخاب یا عدم انتخاب رشته علوم انسانی از سوی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما از آنجا که به قول گوردن^۳ (۱۹۸۵) یادگیری‌های پنهان محیط اجتماعی در مقایسه با یادگیری‌های پنهان محیط شناختی و فیزیکی و همچنین یادگیری‌های برنامه درسی آشکار، مؤثرتر می‌باشد (به نقل از علیخانی، مهرمحمدی، ۱۳۸۴)، بیشتر بر بعد اجتماعی این برنامه در انتخاب رشته علوم انسانی از سوی دانش‌آموزان تأکید خواهد شد.

به عبارتی اگر چه در تحقیقات مختلف تأثیرگذاری عمیق ابعاد برنامه درسی پنهان بر عواملی چون رفتار، نگرش و بینش دانش‌آموزان (حسن تاج، ۱۳۸۹)، بازده‌های عاطفی (بیان فر و همکاران، ۱۳۸۹)، عملکرد تحصیلی (جانعلی زاده، شارع پور و کاشفی، ۱۳۹۱)، تربیت دینی (۱۳۹۱)، احساس تعلق به مدرسه (نوروزی، شیخی و همکاران، ۱۳۹۵)، سازگاری اجتماعی و انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان (معروفی، ۱۳۹۵) بررسی شده است، هیچکدام به نقش این برنامه در انتخاب رشته دانش‌آموزان توجه نداشته‌اند. فقط در راستای تأثیر جو مدرسه بر انتخاب رشته دانش‌آموزان تحقیقات چندی صورت گرفته است از جمله:

رحیمی (۱۳۸۰) بیان می‌کند که کسب نمره و ترجیح مدرسه باعث انتخاب رشته ترجیح داده شده از سوی دانش‌آموز است. رشته فنی و حرفه‌ای دارای بالاترین میانگین ترجیح و علوم انسانی دارای پایین‌ترین میانگین ترجیح در میان دانش‌آموزان می‌باشد. بهرامی نژاد (۱۳۹۵) جو حاکم بر مدرسه و خود دانش‌آموزان را از عوامل کلیدی می‌داند، که در هدایت آنها به سمت

1- Weber
2. Ferrites
3. Gordon
۱۲۹

رشته علوم انسانی بسیار مؤثر است. عسکری و همکاران (۱۳۹۵) نشان می‌دهند که بین نظر مسئولان مدرسه، مشاورین و معلمان و عدم گرایش دانش‌آموزان مدارس خاص و سرآمد به سمت رشته علوم انسانی رابطه وجود دارد. کوثری (۱۳۹۵) بیان می‌دارد که ملاک‌ها و فرایندهای انتخاب رشته تحصیلی تحت تأثیر نظر مشاور برنامه‌ریزی و اهمیت دادن مسئولان دبیرستان قرار می‌گیرد. به زعم رضایپور؛ شفافیتی و براتی (۱۳۹۵) منابعی مثل نظرات معلمان، نظرات دانش‌آموزان سال بالاتر، تحلیل عملکرد دانش‌آموز در سال‌های گذشته و سنجش استعداد و علائق آنها در انتخاب رشته دانش‌آموزان مؤثر هستند.

بنابراین با توجه به اهمیت برنامه درسی پنهان و نقش مهم عوامل آموزشی در انتخاب رشته دانش‌آموزان پژوهش حاضر در پی شناسایی و بررسی نقش این برنامه در هدایت دانش‌آموزان به سمت رشته علوم انسانی در قالب سؤالات تحقیق زیر می‌باشد:

۱- مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در انتخاب یا عدم انتخاب رشته علوم انسانی به عنوان یک رشته تحصیلی توسط دانش‌آموزان کدامند؟

۲- آیا بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر اولویت‌بندی مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان مؤثر بر انتخاب رشته علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد ترکیبی از نوع متوالی - اکتشافی می‌باشد (شکل شماره ۱). به دلیل اینکه در مطالعات برنامه درسی پنهان که تأکید عمده آن بر ابعاد اجتماعی موضوع مورد پژوهش است از تحلیل، تفسیر و استنتاج استفاده می‌شود و بر درک عمیق داده‌ها برای شناخت لایه‌های زیرین آموزش تمرکز دارد (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۸۶)، همچنین پژوهش‌های کیفی نیز به درک عمیق پدیده‌ها کمک می‌کنند (گال و همکاران، ۱۳۸۳)، ابتدا در مرحله کیفی مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان مؤثر در انتخاب رشته علوم انسانی از سوی دانش‌آموزان مشخص شد. در مرحله بعد اطلاعات به دست آمده در مرحله کیفی از طریق گردآوری داده‌های کمی به روش توصیفی پیمایشی آزمون شد و در نهایت نیز از نتایج کمی و کیفی تفسیر کلی به عمل آمد.



شکل ۱: فرایند تحقیق ترکیبی متوالی اکتشافی (کرسول و پلانوکلاک، ۲۰۰۷).

جامعه آماری تحقیق شامل همه دانش‌آموزان شاخه نظری (۳۸۶۱ نفر) دوره دوم متوسطه شهر کازرون در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ بود. از آنجا که اداره آموزش و پرورش شهر کازرون تقسیم بندی منطقه‌ای ندارد مدارس شهر کازرون از میان فهرست ارائه شده از سوی اداره آموزش و پرورش به صورت تصادفی انتخاب شدند.

شرکت کنندگان پژوهش در بخش کیفی ۲۲ نفر از دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی هدفمند (گال و همکاران، ۱۳۸۳) از بین دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهرستان کازرون انتخاب شدند. علت انتخاب دانش‌آموزان دوره دوم مخصوصاً کلاس دهم و یازدهم این بود که این دانش‌آموزان به تازگی انتخاب رشته کرده بودند.

از آنجا که در روش کیفی، حجم نمونه از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند اثر می‌پذیرد، نمونه بسیار بزرگ یا کوچک توصیه نشده است، بلکه حصول معیارهایی مانند اشباع داده‌ها و تکرار اطلاعات، کفایت حجم نمونه را نشان می‌دهد (مورگان^۲، ۲۰۰۸) بعد از اینکه در مصاحبه با ۱۸ نفر اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها به اشباع رسید با ۴ نفر دیگر از دانش‌آموزان مصاحبه شد تا اشباع نظری کامل شود.

در بخش کمی نیز با مراجعه به جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان^۳ (۱۹۷۰) ۲۸۰ نفر از دانش‌آموزان شهر کازرون به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. به این صورت که ابتدا از بین مدارس شهر کازرون ۶ مدرسه به طور تصادفی انتخاب شدند،

1. Creswell & Plano Clark
2. Morgan
3. Kerjcie
۱۳۱

سپس در این مدارس پرسشنامه‌ها به طور تصادفی در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. پس از بررسی پرسشنامه‌های عودت داده شده جمعاً ۲۵۳ پرسشنامه برای تحلیل مناسب تشخیص داده شدند. از تعداد افراد نمونه ۵۴/۹۴ (۱۳۹ نفر) دختر و ۴۵/۰۶ درصد (۱۱۴ نفر) پسر بودند (جدول ۱).

جدول ۱: اعضای نمونه به تفکیک جنسیت و نوع مدرسه

درصد	فراوانی	متغییر	
۵۴/۹۴	۱۳۹	دختر	جنسیت
۴۵/۰۶	۱۱۴	پسر	
۶۹/۱۶	۱۷۵	عادی	نوع مدرسه
۳۰/۸۴	۷۸	خاص	

ابزار جمع آوری اطلاعات

الف - مصاحبه: یکی از ابزارهای پژوهش مصاحبه با دانش‌آموزان دوره متوسطه بود. مصاحبه‌ها به صورت نیمه ساختاریافته اجرا شدند. بدین صورت که ابتدا پژوهشگر طی مقدمه‌ای به معرفی اهداف پژوهش می‌پرداخت، سپس سؤالات پژوهش را مطرح می‌نمود. زمان هر مصاحبه حدود ۱۵ تا ۴۰ دقیقه با توجه به اینکه شرکت کنندگان مطالبشان را کامل بیان کردند متغیر بود.

از آنجاکه مصاحبه به‌عنوان یک ابزار اندازه‌گیری باید از معیارهای پایایی و اعتبار برخوردار باشد (گال و همکاران، ۱۳۸۳)، در این پژوهش برای تعیین اعتبار راهنمای مصاحبه از اعتبار محتوا استفاده شد. بدین صورت که ابتدا چندین سؤال متناسب با هدف اصلی پژوهش طراحی شد و با راهنمایی اساتید راهنما و مشاور چندین بار بازبینی شد سپس این راهنما در اختیار سه نفر از دانشجویان دکتری و اعضای هیئت‌علمی گروه علوم تربیتی قرار گرفت. علاوه بر این با توجه به اینکه در تحقیقات کیفی تأکید شده به‌جای روایی و پایایی باید داده‌ها از دقت و صحت برخوردار باشند، از میان روش‌های مختلفی که گال و همکاران (۱۳۸۳) و کریپندورف^۱ (۲۰۰۳) پیشنهاد نموده‌اند؛ از روش‌های کاوش به‌وسیله افراد مورد مطالعه، توصیف دقیق و جزئی شده

1. Krippendorff

بررسی نقش برنامه درسی پنهان در هدایت دانش‌آموزان دوره متوسطه به ...

فرایند انجام پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. برای کاوش به وسیله مصاحبه‌شوندگان، متن پیاده شده مصاحبه‌ها، به آن‌ها بازگردانده شد و خواسته شد تا هرگونه اصلاح، تغییر یا نظر جدیدی دارند اعلام کنند. بدین صورت که بعد از انجام هر مصاحبه متن آن به صورت نوشتاری تهیه شده و همراه با برداشت‌های محقق در اختیار مصاحبه‌شونده قرار می‌گرفت تا به وسیله بارخوردی که مصاحبه‌شونده می‌دهد از درست بودن متن نوشتاری مصاحبه و معنای گفته‌ها و تجارب مصاحبه‌شونده‌ها اطمینان حاصل شود.

یکی دیگر از روش‌هایی که برای مقابله با عدم پایایی معرفی می‌شود استفاده از دو یا چند دستیار است. هر چقدر محقق خود در زمینه تحلیل محتوا مسلط باشد باید با بهره‌گیری از مشاوره چند دستیار روش‌های تحلیلش را به پایایی قابل قبول برساند (الو و همکاران^۱، ۲۰۱۴). بنابراین علاوه بر محقق متن مصاحبه‌ها در اختیار دو نفر دیگر نیز قرار گرفت تا کدگذاری شود. سپس میزان توافق بین کدگذاران با استفاده از ضریب توافقی کاپا محاسبه شد مقدار ضریب کاپا برابر با ۰/۴۵ بود که نشان دهنده توافق متوسط (لندیس و کخ^۲، ۱۹۹۷) و قابل قبول می‌باشد.

داده‌های مصاحبه‌ای با استفاده از روش تحلیل مضمون بررسی شد. در این روش طبق دیدگاه براون و کلارک^۳ (۲۰۰۶) از ابزار تحلیل شبکه‌ی مضامین استفاده شد. بر این اساس، مضامین به سه دسته ۱- مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، ۲- مضامین سازمان دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و ۳- مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) طبقه بندی گردید. سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه‌ی تارنما، رسم و روابط میان آنها مشخص شد. به طور کلی در تحقیق برای تحلیل داده‌های مصاحبه‌ای، مراحل زیر دنبال شده است:

۱- مصاحبه‌ها یک به یک و کلمه به کلمه، بر روی کاغذ پیاده شد. ۲- محتوای مکتوب مصاحبه سطر به سطر بررسی شد و جملات معنی‌دار و کنایه‌ها که مرتبط با موضوع اصلی پژوهش بودند، علامت گذاری و برجسته سازی شدند. ۳- مطالب برجسته و حساس در دست نوشته‌های دانش‌آموزان استخراج گردید. ۴- یادداشت‌ها و نکات حاصل از مصاحبه‌ها و دست نوشته‌ها

1. Elo
2. Ladis & Koch
3. Braun, V. & Clarke
۱۳۳

ادغام شد. ۵- کدهای اولیه و کدگذاری از ویژگی‌های جالب داده‌ها ایجاد گردید. ۶- مضامین از یادداشت‌ها و نکات ترکیبی مصاحبه‌ها و دست نوشته‌ها استخراج شد. ۷- همخوانی مضامین با کدهای مستخرج با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای بررسی و کنترل شد. ۸- مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر انتخاب شد. ۹- شبکه مضامین ترسیم شد.

ب- پرسشنامه: پرسشنامه بر اساس یافته‌های بخش کیفی یعنی مضامین پایه و سازمان دهنده استخراج شده از مصاحبه‌ها تهیه شد. پرسشنامه شامل ۳۴ گویه بود که بر اساس طیف لیکرت تنظیم شد. برای تعیین اعتبار پرسشنامه‌ها، از اعتبار محتوا استفاده گردید (کوهن و همکاران، ۲۰۰۷) و سعی شد تا سؤال‌های پرسشنامه معرف محتوایی باشد که محقق قصد بررسی آن را دارد. در طراحی پرسشنامه، ضمن حفظ تناسب، از واژه‌ها و عبارتهایی استفاده شد که تا حد امکان برای پاسخگویان روشن بوده و آنان از سؤال‌ها همان برداشت را داشته باشند که مورد نظر پژوهشگر است. برای تحقق این هدف پس از تهیه فرم اولیه، پرسشنامه بارها مورد بررسی قرار گرفت و از جنبه‌های ساختار علمی و ویرایشی اصلاح شد. برای برآورد پایایی پرسشنامه نیز از روش ضریب آلفا کراباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۷ و قابل قبول بود.

یافته‌ها:

الف: یافته‌های کیفی

سوال اول پژوهش: «مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در انتخاب یا عدم انتخاب رشته علوم انسانی توسط دانش‌آموزان کدامند؟»

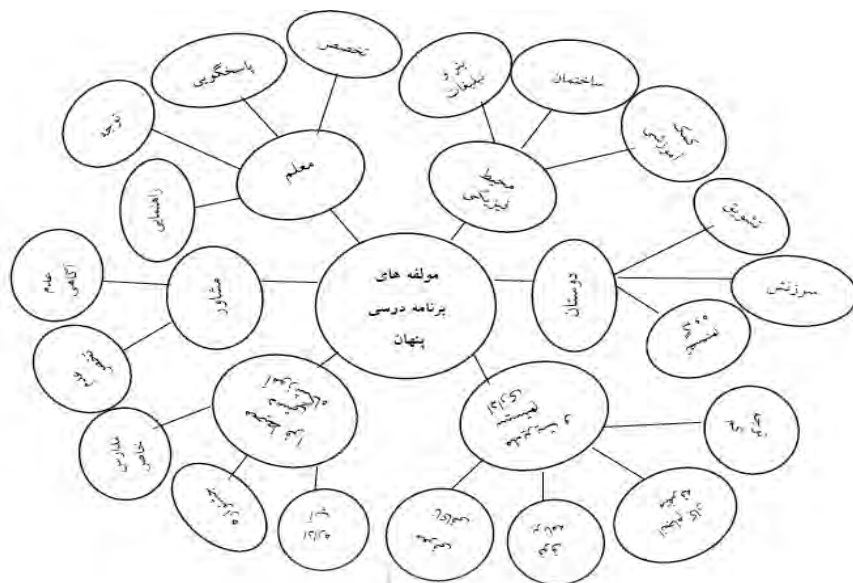
۱- مضامین پایه: بعد از بررسی مصاحبه‌ها در ابتدا ۸۷ مضمون پایه در زمینه انتخاب یا عدم انتخاب رشته علوم انسانی از سوی دانش‌آموزان شناسایی شد. با توجه به مبانی نظری پژوهش و از آنجا که پژوهش‌های قبل (سیلور، الکساندر و لوئیس، ۱۳۹۲)؛ فتحی و واحد چوکده (۱۳۸۵)؛ بیان فر و همکاران (۱۳۸۹) و صفایی موحد و با وفا (۱۳۹۲) زمینه‌های آموزشی چون معلم، دانش‌آموز، روش تدریس، ارزشیابی، محتوا، قوانین و مقررات و محیط فیزیکی آموزشگاه را به عنوان عوامل برنامه درسی پنهان آموزشگاهی مورد توجه قرار می‌دهند. برخی از این مضامین که مرتبط با انتخاب رشته علوم انسانی بودند اما در حیطه برنامه درسی پنهان آموزشگاهی قرار

بررسی نقش برنامه درسی پنهان در هدایت دانش‌آموزان دوره متوسطه به ...

نمی‌گرفتند حذف شدند. مثلاً مضامینی که مربوط به نقش خانواده‌ها، صدا و سیما و تفکر قالبی جامعه در مورد علوم انسانی بود و طی مصاحبه‌ها دانش‌آموزان به آنها اشاره کرده بودند، حذف شدند و در نهایت ۶۰ مضمون پایه انتخاب شد.

۲- مضامین سازمان دهنده: پس از استخراج مضامین پایه، این مضامین بارها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و سپس دسته‌بندی شده و در قالب مضامین سازمان دهنده قرار گرفتند که برخی از آنها عبارتند از: ۱- وجود زمینه بیشتر شرکت دانش‌آموزان رشته تجربی و ریاضی در المپیادها و جشنواره‌ها؛ ۲- توجه ویژه مدارس خاص به رشته‌های تجربی؛ ۳- توجه ویژه اداره آموزش و پرورش به مدارس و دانش‌آموزان دارای رشته تجربی و ریاضی و بی‌توجهی به رشته انسانی؛ ۴- عدم تخصص معلمان علوم انسانی؛ ۵- راهنمایی معلم در جهت انتخاب رشته‌ای غیر از علوم انسانی؛ ۶- اهمیت دادن معلمان علوم انسانی به دروس انسانی؛ ۷- پاسخگویی معلمان علوم انسانی به سؤالات دانش‌آموزان؛ ۸- عدم آگاهی دانش‌آموزان از محتوای دروس رشته انسانی؛ ۹- هدایت آگاهانه دانش‌آموزان به سمت رشته علوم تجربی توسط مشاور مدرسه؛ ۱۰- تشویق دوستان به عدم انتخاب رشته انسانی؛ ۱۱- تصمیم گروهی در انتخاب رشته؛ ۱۲- سرزنش دوستان برای انتخاب رشته علوم انسانی؛ ۱۳- عدم آگاهی مشاور از رشته‌های علوم انسانی؛ ۱۴- توجه کم و نامناسب اداره آموزش و پرورش به رشته انسانی با اختصاص ساعات تدریس کم به دروس انسانی و معرفی ناکافی رشته انسانی؛ ۱۵- انجام کارهای متفرقه و فوق برنامه توسط دانش‌آموزان رشته انسانی؛ ۱۶- نبود امکانات آزمایشگاهی در مدرسه برای دانش‌آموزان انسانی، بی‌توجهی و معرفی نکردن رشته انسانی در ساختمان مدرسه؛ ۱۷- در صدر قرار دادن دانش‌آموزان تجربی در بنر مدرسه

۳- مضامین فراگیر: بر اساس روش تحلیل مضمون در مرحله سوم، مضامین سازمان دهنده دسته‌بندی و در قالب ۶ مضمون فراگیر شامل ۱- معلم ۲- محیط فیزیکی مدرسه، ۳- مشاور، ۴- مدیریت و سیستم اداری مدرسه، ۵- دوستان و ۶- محیط فرادستی آموزشگاه قرار داده شدند. شبکه تحلیل مضامین نیز ترسیم شد (شکل شماره ۲).



شکل ۲- شبکه مضامین برنامه درسی پنهان در هدایت یا عدم هدایت دانش آموزان به سوی علوم انسانی

۱- معلم: یکی از مؤلفه های مؤثر در انتخاب رشته علوم انسانی از سوی دانش آموز رفتار و گفتار معلم است. تخصص معلمان علوم انسانی در زمینه درسی خود و مهم تلقی کردن و ارزش دادن به دروس انسانی، سبب می شود که دانش آموز به سمت این رشته گرایش یابد. مصاحبه شونده شماره سه می گوید:

از درس های انسانی، بخصوص فلسفه و منطق خوشم می آمد ولی معلم ها مرا به خواندن رشته تجربی تشویق می کردند، آنها می گویند رشته تجربی زیر شاخه های بیشتری نسبت به سایر رشته ها دارد و بازار کار آنها نیز نسبت به رشته های دیگر بیشتر است.

مصاحبه شونده شماره هفت می گوید:

معلم هایی که با آنها درس های حفظی مثل تاریخ را داشتیم خودشان خیلی این درس ها را جای نمی گرفتند و وقت کلاس را به کارهای دیگر اختصاص می دادند. آنها مثل معلم علوممان نبودند. خودشان درس را کاملاً بلد نبودند من احساس می کردم حتماً این درس ها خیلی مهم نیست.

بررسی نقش برنامه درسی پنهان در هدایت دانش‌آموزان دوره متوسطه به ...

۲- مدیریت و سیستم اداری مدرسه: نگرش کادر مدرسه به دانش‌آموزان رشته انسانی به عنوان دانش‌آموزان ضعیف و عدم توجه مدرسه به آنها همانند سایر رشته‌ها؛ استفاده از دانش‌آموزان انسانی برای انجام کارهای متفرقه مدرسه؛ عدم توجه به برگزاری کلاس‌های تقویتی برای دروس رشته انسانی؛ اهمیت بیشتر دادن به دبیران سایر رشته‌ها نسبت به رشته انسانی؛ بی‌توجهی به دروس رشته انسانی در دبیرستان به طور ضمنی به دانش‌آموز کم‌اهمیت بودن رشته انسانی را یادآور شده و در ذهن او این رشته را نسبت به سایر رشته‌ها در درجه پایین‌تر قرار می‌دهد، لذا دانش‌آموز از انتخاب این رشته اجتناب می‌کند. مصاحبه شونده شماره ۱۱ می‌گفت:

مسئولین مدرسه برای کارهای فوق برنامه مدرسه از دانش‌آموزانی که کلاس حفظی مثل ادبیات و تاریخ دارند استفاده می‌کنند تا دانش‌آموزانی که علوم و ریاضی دارند، ضربه‌ای نبینند و بتوانند از کلاس درس استفاده نمایند. حتی برای حضور و غیاب از دانش‌آموزانی که دروس تاریخ یا جغرافیا دارند استفاده می‌کنند.

۳- محیط فیزیکی مدرسه: یکی دیگر از عواملی که سبب می‌شد دانش‌آموزان احساس کنند رشته انسانی نسبت به سایر رشته‌ها اهمیت کمتری دارد، محیط فیزیکی مدرسه بود. آنها بیان می‌کردند که مدارس با قرار دادن قبول شدگان رشته تجربی در جایگاه اول بنر تبلیغاتی مدارس؛ وجود آزمایشگاه‌ها و امکانات مربوط به رشته‌های تجربی و ریاضی و عدم توجه به تدارک امکانات کمک آموزشی برای دانش‌آموزان رشته انسانی به دروس پایه و ریاضی اهمیت بیشتری می‌دهند. در این زمینه مصاحبه شونده شماره ۳ بیان می‌کرد:

در راهروهای مدرسه عکس‌های مربوط به درس علوم چسبانده شده و مدرسه امکانات زیادی برای درس علوم وجود دارد مثل آزمایشگاه. آدم احساس می‌کند این رشته اهمیت بیشتری دارد. در بنرهای مدرسه هم اول اسم بچه‌های تجربی را می‌نویسند بعد دانش‌آموزان رشته انسانی.

۴- دوستان: یکی دیگر از عوامل مؤثر بر هدایت دانش‌آموز به سمت عدم انتخاب رشته علوم انسانی دوستان دانش‌آموز بودند. دانش‌آموزان خاطر نشان می‌کردند که به خاطر ترس از سرزنش دوستان و اینکه به آنها برچسب ناتوان بودن نخورد، به سمت رشته انسانی نرفته‌اند. مصاحبه شونده شماره ۱۲ می‌گوید:

بچه‌ها می‌گویند تنبل‌ها می‌روند انسانی و فقط اونایی که با هوش هستند می‌تونند دکتر و مهندس شوند و هر کسی می‌رود انسانی حتماً بقیه رشته‌ها را قبول نشده است.

۵- مشاور مدرسه نیز یکی دیگر از مؤلفه‌هایی بود که دانش‌آموزان در گفته‌های خود به آن اشاره می‌کردند. آنها معتقد بودند که مشاور به شکلی کنایه‌آمیز مهم بودن رشته‌های غیر از علوم انسانی را به آنها تذکر می‌دهد. همچنین مشاورها اطلاعات کامل و دقیقی در مورد علوم انسانی و آینده آن نداشتند. مصاحبه شونده شماره ۵ می‌گفت:

در کودکی از رشته معماری خوشم می‌آمد ولی در راهنمایی به رشته انسانی علاقه‌مند شدم و متوجه شدم رشته انسانی در زندگی کاربرد زیادی دارد، ضمناً در درس ریاضی قوی بودم ولی مشاور مدرسه مرا از رفتن به رشته انسانی منصرف کرد و می‌گفت حیف است که تو رشته انسانی را انتخاب کنی.

۶- محیط فرادستی آموزشگاه: یکی دیگر از عوامل مؤثر محیط در انتخاب رشته دانش‌آموزان محیط فرادستی آموزشگاه و یا قوانین و مقرراتی بود که از سوی اداره آموزش و پرورش تعیین می‌شد. مواردی چون محسوس بودن شرکت دانش‌آموزان تجربی و ریاضی در المپیادها و جشنواره‌های مختلف، تشویق مدارسی که در کنکور ریاضی و تجربی بیشترین قبولی را داشتند و اهمیت دادن به کلاس‌های علوم پایه و ریاضی به طور ضمنی مهم بودن رشته‌های دیگر و کم‌اهمیتی رشته انسانی را به دانش‌آموز خاطر نشان می‌کند. در این راستا مصاحبه شونده شماره ۲ می‌گفت:

بیشتر دانش‌آموزان تجربی می‌تونند توی جشنواره‌ها و مسابقه‌ها شرکت کنند و مقام بیاورند. اصلاً جشنواره‌ای از سوی اداره آموزش و پرورش برای دروس انسانی نیست آگه باشه هم خیلی جدی گرفته نمی‌شه.

ب: یافته‌های کمی: بعد از اینکه در مرحله کیفی مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در انتخاب رشته دانش‌آموزان به روش تحلیل مضمون مشخص شد، برای استخراج مؤلفه‌های نهایی برنامه درسی پنهان که در انتخاب یا عدم انتخاب رشته علوم انسانی از سوی دانش‌آموزان مؤثر بودند، این مضامین در قالب پرسشنامه قرار گرفت. پرسشنامه‌ها با استفاده از تحلیل آماری تأییدی به کمک نرم‌افزار لیزرل بررسی شد، در نهایت شاخص‌های برازش الگو به شکل جدول شماره ۱ به

بررسی نقش برنامه درسی پنهان در هدایت دانش‌آموزان دوره متوسطه به ...

دست آمد. همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، شاخص‌های برازش در الگوی اصلی (بدون اصلاح) در وضعیت مطلوب قرار نگرفته‌اند، به عبارتی الگوی اصلی بدون اصلاح از برازش قابل قبولی برخوردار نیست، بنابراین لازم بود تا با اعمال برخی اصلاحات (آزاد کردن مسیر تعدادی از گویه‌ها و ادغام مؤلفه‌های دارای همبستگی بالا) میزان برازش الگو بهبود یافته و به شاخص‌های مورد قبول نزدیک شود.

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل مربوط به تحلیل عاملی تأییدی الگوی پیشنهادی

الگو	$\frac{\chi^2}{df}$	RMSEA	PNFI	NNFI	CFI	IFI	AGFI
الگوی اصلی (بدون اصلاح)	۳/۳۷	۱/۰۸۷	۰/۶۸	۱/۸۵	۱/۸۷	۱/۸۷	۱/۷۴
الگوی اصلی (با اصلاح)	۲/۱۱	۱/۰۵	۱/۷۱	۱/۹۲	۱/۹	۱/۹	۱/۸۲
مقدار مطلوب	< ۳	< ۰/۵	> ۵	> ۹	> ۹	> ۹	> ۸

در این تحلیل به منظور اصلاح مدل اگر مقدار بارهای عاملی کمتر از ۰/۳ باشد گویه حذف و مدل مجدداً در نرم‌افزار اجرا می‌شود. یکی از اصلاحات دیگری که در تحلیل عاملی تأییدی می‌توان برای افزایش برازش الگو انجام داد این است که مضامینی که همبستگی بالایی با هم دارند در هم ادغام شوند. بنابراین در اینجا نیز مضمون محیط فیزیکی مدرسه با مضمون سیستم اداری و مدیریت مدرسه همبستگی بسیار بالایی داشت. از آنجا که این دو مضمون به هم قرابت زیادی داشتند و در واقع وضعیت فیزیکی و ساختمان و چیدمان مدرسه نیز تحت تأثیر دیدگاه مدیریت و سیستم مدرسه قرار می‌گیرد، این دو مضمون در هم ادغام و تحت یک مؤلفه مدیریت و سیستم مدرسه قرار گرفت. همچنین دو مضمون مشاور و معلم نیز بعد از انجام تحلیل عاملی به دلیل همبستگی بالا و اینکه در اکثر مدارس معلم همان نقش مشاور را انجام می‌دهد نیز با هم ادغام شدند و تحت مضمون معلم قرار گرفتند.

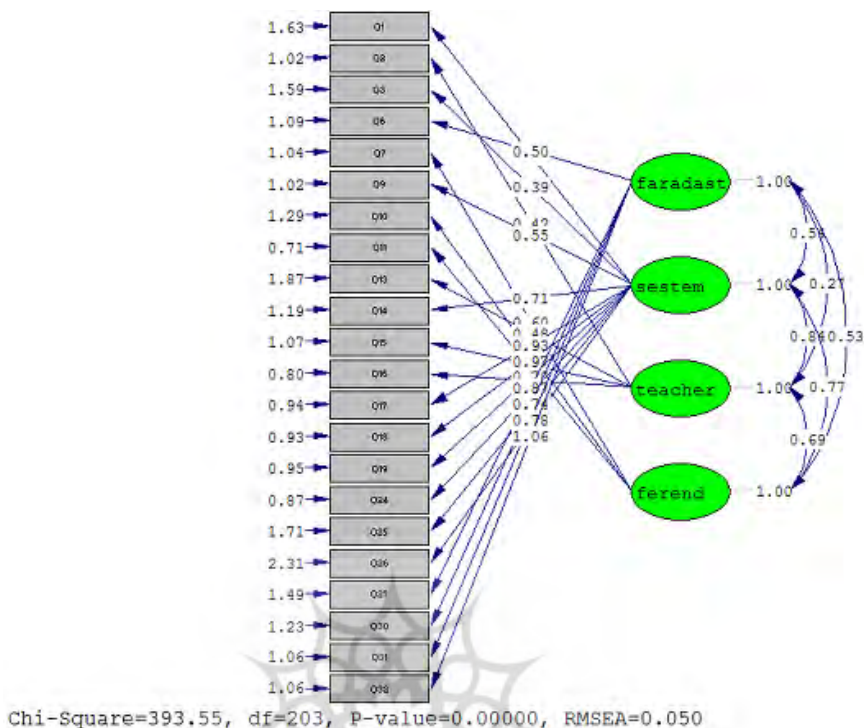
بعد از انجام این اقدامات الگوی به دست آمده در نمونه مورد بررسی از برازش بسیار خوبی برخوردار گردید و همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌گردد، مقدار RMSEA از ۰/۸۷ به ۰/۰۵ کاهش یافت که قابل قبول است همچنین مقادیر CFI که در مرحله قبل از اصلاح

برابر با ۱/۸۵ بود افزایش یافته و به سطح ۰/۹ و قابل قبول رسید. در واقع همه شاخص‌های برازش به‌دست‌آمده از نظر آماری در حد قابل قبولی بوده و نشان می‌دهد که الگوی پیشنهادی با واقعیت‌های تجربی برازش کلی مناسبی دارد. شکل شماره ۳ نمودار تحلیل عاملی تأییدی الگوی اصلاح شده را نشان می‌دهد. در ادامه و نتیجه‌گیری از تحلیل‌های فوق، چهارچوب مفهومی تأیید شده با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی در قالب ۴ ملاک شامل محیط فرادستی مدرسه، معلم، دوستان و مدیریت و سیستم اداری مدرسه و ۲۳ نشانگر ارائه می‌شود (جدول ۳ و شکل ۲).

جدول ۳: مضامین فراگیر، مضامین سازمان دهنده و مضامین پایه برنامه درسی ضمنی در انتخاب رشته

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	
محیط فرادستی آموزشگاه	المپیاد و جشنواره	المپیادهای علمی بین المللی دانش‌آموزان رشته انسانی	۱
	المپیاد و جشنواره	نامحسوس بودن زمینه شرکت دانش‌آموزان در جشنواره‌های علمی (خوارزمی)	۲
	مدارس خاص	عدم توجه مسئولین مدارس خاص (تیزهوشان-نمونه دولتی شاهد) به رشته انسانی	۳
	بی توجهی	تشویق مدرسی که در کنکور ریاضی و تجربی بیشترین قبولی در دانشگاه دارند	۴
	بی توجهی	توجه ویژه اداره آموزش و پرورش به دانش‌آموزان تجربی و ریاضی	۵
معلم	تخصص معلم	تدریس دروس علوم انسانی توسط دبیران متخصص	۶
	راهنمایی معلم	ترغیب دانش‌آموزان مستعد به رشته انسانی توسط دبیران مورد اعتماد	۷
	عدم توجه معلم به دروس انسانی	به بطالت گذراندن وقت دروس حفظی توسط برخی از معلمان.	۸
	تخصص معلم	عدم تسلط و توانمندی دبیران رشته انسانی در تدریس دروس نظری	۹
	پاسخگویی معلم	عدم پاسخگویی شایسته دبیران علوم انسانی به سوالات دانش‌آموزان در هنگام تدریس	۱۰
دوستان	تشویق دوستان	تشویق دانش‌آموزان رشته علوم انسانی توسط همسالان	۱۱
	تصمیم‌گروهی	تأثیر و تصمیم‌گیری گروهی دوستان و همسالان به یک رشته	۱۲

مضمین مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	
	سرزنش دوستان	دادن برجسب اینکه دانش‌آموزان ضعیف به رشته انسانی می‌روند از سوی دوستان	۱۳
مدیریت و سیستم اداری مدرسه	عدم توجه	عدم توجه کادر مدرسه به دانش‌آموزان رشته انسانی همانند سایر رشته‌ها	۱۴
	توجه نامناسب	نگرش کادر مدرسه به دانش‌آموزان رشته علوم انسانی به عنوان دانش‌آموزان ضعیف	۱۵
	اختصاص ساعات کم	بی توجهی به دروس رشته انسانی در دبیرستان.	۱۶
	معرفی ناکافی	عدم دعوت از صاحب نظران جهت آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با رشته انسانی	۱۷
	انجام کارهای متفرقه	استفاده از دانش‌آموزان رشته‌های انسانی برای انجام کارهای متفرقه مدرسه	۱۸
	فوق برنامه	عدم توجه به برگزاری کلاس‌های تقویتی برای دروس تئوری رشته انسانی.	۱۹
	اهمیت بیشتر به دبیران	تفاوت جایگاه دبیران رشته انسانی و مدرسین سایر رشته‌ها در مدرسه	۲۰
	بئر مدرسه	درصدد قرار دادن قبول شدگان رشته تجربی در بئر تبلیغاتی مدارس	۲۱
	آزمایشگاه	وجود آزمایشگاه‌ها و امکانات مربوط به رشته‌های تجربی و ریاضی	۲۲
کمک آموزشی	عدم توجه مدارس به امکانات کمک آموزشی برای دانش‌آموزان رشته انسانی	۲۳	



شکل ۳: نمودار تحلیل عاملی تأییدی مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان

برای بررسی سوال دوم پژوهش که «آیا بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر اولویت بندی مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان مؤثر بر انتخاب رشته علوم انسانی تفاوت معناداری وجود دارد؟» از آزمون آماری یو مان ویتنی استفاده شد. همانطور که نتایج جدول شماره سه نشان می‌دهد بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر نقش مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در انتخاب یا عدم انتخاب رشته علوم انسانی در زمینه تأثیر مؤلفه‌های دوستان، مدیریت و سیستم اداری، معلم و محیط فرادستی آموزشگاه تفاوت معناداری وجود دارد. با مقایسه میانگین رتبه‌های دو گروه در همه مؤلفه‌ها متوجه می‌شویم که میانگین رتبه‌ها برای دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر بالاتر است.

بررسی نقش برنامه درسی پنهان در هدایت دانش‌آموزان دوره متوسطه به ...

جدول ۴: نتایج آزمون مان ویتنی یو برای بررسی تفاوت بین دانش‌آموزان دختر و پسر

سطح معناداری	Z	میانگین رتبه ها	جنسیت	مؤلفه
/۰۵	۲/۹۳	۱۳۶	دختر	دوستان
		۱۰۹	پسر	
/۰۵	۲/۹۲	۱۳۳	دختر	معلم
		۱۰۷	پسر	
/۰۵	۳/۹	۱۲۴	دختر	مدیریت و سیستم اداری
		۱۰۴	پسر	
/۰۵	۴/۲۲	۱۳۲	دختر	محیط فرا دستی
		۱۰۹	پسر	

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور بررسی نقش برنامه درسی پنهان در انتخاب رشته علوم انسانی از سوی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه انجام شد. یافته‌های کمی و کیفی هم‌راستای با هم نشان می‌داد که چهار مؤلفه اساسی معلم، مدیریت و سیستم اداری مدرسه، محیط فرادستی آموزشگاه و دوستان مؤلفه‌های اساسی برنامه درسی پنهان در انتخاب یا عدم انتخاب رشته علوم انسانی از سوی دانش‌آموزان می‌باشد.

با توجه به نتایج تحقیق یکی از این مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان مؤثر بر انتخاب رشته دانش‌آموزان معلم می‌باشد. در واقع تخصص معلم دروس انسانی در زمینه درسی که تدریس می‌کند و نوع نگاهی که به این دروس دارند، به طور ضمنی نگرش دانش‌آموزان را نسبت به این رشته تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتی بین نحوه رفتار و منش معلمان و نگرش‌های فراگیران رابطه مثبتی وجود دارد (ربانی و ربیعی، ۱۳۹۰) و دانش‌آموزان در ارزش گذاری خود برای رشته انسانی به رفتار و تخصص معلمان این رشته توجه می‌کنند. هم‌راستا با این یافته مقصودگردان و عبداللهی (۱۳۹۶) بیان می‌کنند نوع برخورد مشاوران و معلمان، میزان علاقه‌مندی و تسلط آنان بر موضوعات درسی و شیوه تدریس آنان می‌تواند بر گرایش دانش‌آموزان به سمت رشته‌های تحصیلی تأثیر داشته باشد. بهرامی نژاد (۱۳۹۵) هم می‌گوید که سخن معلم گیرا است، اگر معلم بگوید کسی که علوم انسانی می‌خواند، سیاست‌مدار و مدیر

می‌شود، در آینده سیاست مملکت را تعیین می‌نماید عده‌ای از نخبگان را به سمت علوم انسانی هدایت خواهد نمود، اما متأسفانه اصولاً معلمان از شکست‌های تحصیلی و بیکاری تحصیل کرده‌های دانشگاهی سخن می‌گویند و یا گاهی محتوای کتاب‌های درسی، آن قدر زیاد می‌باشد که فرصتی جهت معرفی رشته‌های علوم انسانی نداشته‌اند (عسکری و همکاران، ۱۳۹۵).

دومین مؤلفه مستخرج از نتایج تحقیق نقش سیستم اداری و مدیریت مدرسه در هدایت دانش‌آموزان به سمت علوم انسانی می‌باشد. نوع برخورد مدیریت و کادر اداری مدرسه با دروس حفظی و انسانی و حتی با معلمانی که دروس انسانی را تدریس می‌کنند، همچنین ساختمان فیزیکی آموزشگاه می‌تواند در نگرش دانش‌آموزان نسبت به انتخاب یا عدم انتخاب علوم انسانی به عنوان رشته تحصیلی آینده خود مؤثر باشد. در تبیین این یافته نویدی (۱۳۹۶) نیز وجود فضای فیزیکی و روانی مناسب، منابع اطلاعاتی کافی، زمان کافی، همکاری کارکنان واحد آموزشی دانش‌آموزان و اولیای آنان و از همه مهم‌تر بافت اجتماعی و فرهنگی مساعد مدرسه را برای تحقق یافتن اهداف برنامه هدایت تحصیلی ضروری می‌داند. همچنین هم‌راستا با این یافته مرادی و اخوان تفتی (۱۳۹۲) بیان می‌دارند، دانش‌آموزان با میانگین نمرات بالا که خواهان رشته علوم انسانی می‌باشند با مخالفت والدین و اولیای مدرسه روبرو می‌شوند و از طرف خود مدرسه به سمت رشته‌های ریاضی و علوم تجربی هدایت می‌شوند.

صاحب نظرانی چون اسمیت و مونتگومری^۱ (۲۰۰۸) نیز معتقدند دانش‌آموزان تحت تأثیر ارزش‌گذاری اولیاء مدرسه برای درس‌ها هستند، برخی دروس را مهم و بقیه درس‌ها را غیر مهم می‌دانند. آنها نشان دادند که مدارس به درس‌های مختلف به یک اندازه اهمیت نمی‌دهند، درس‌هایی مانند ریاضیات و علوم تجربی اهمیت بیشتری دارند و در برنامه زمان بندی دروس در اولویت قرار دارند (به نقل از امینی، مهدی زاده و همکاران، ۱۳۹۰). در واقع دانش‌آموزان از لحظه ورود به مدرسه متوجه اهمیت بیشتر دروس پایه می‌شوند و دبیران آن را موفق‌تر می‌بینند و این‌ها الگوی مناسبی برای انتخاب رشته تحصیلی آنها می‌شود. مثلاً دانش‌آموزان هفته‌ای ۶ ساعت در مدرسه ریاضی را در ساعت رسمی و ۶ ساعت دیگر در کلاس‌های مکمل می‌خوانند، در حالی که به دروسی مانند مطالعات و ادبیات ساعت کمتری اختصاص می‌یابد. برای علوم پایه

1. Smith & Montgomery

بررسی نقش برنامه درسی پنهان در هدایت دانش‌آموزان دوره متوسطه به ...

کلاس‌های خصوصی و تقویتی برقرار است اما برای دروس علوم انسانی ساعات محدودی اختصاص یافته و این‌ها بر سطح شناخت دانش‌آموزان تأثیر بسزایی دارد (عسکری و همکاران، ۱۳۹۵). مسئولان آموزشی نیز احساس می‌کنند تدریس فیزیک، شیمی و ریاضی نیاز به نگرش و روش علمی دارد و مدرسین این دروس حتماً باید متخصص باشند، ولی چنین تصویری در مورد دروس علوم انسانی وجود ندارد و شاید بشود گفت یکی از عوامل بزرگ بیگانگی قشر وسیعی از جوانان ما با علوم انسانی، آموزش غیرمسئولانه و نادرست در کلاس‌های درس است (سفارصفت و همکاران، ۱۳۸۷).

محیط فیزیکی مدرسه هم تحت تأثیر مدیریت و سیستم اداری مدرسه معمولاً به شکلی است که به عدم گرایش دانش‌آموزان به سمت رشته علوم انسانی کمک می‌کند. مدارس معمولاً مجهز به امکانات آموزشی خوب برای دروس پایه علوم و ریاضی است و این سبب پیش‌داوری غلط دانش‌آموز و والدین آنها در مورد اهمیت پایین رشته انسانی می‌باشد. به قول فتحی و اجارگاه و بزرگ (۱۳۹۱) ساختمان و فضای مدرسه و دانشگاه معلمان خاموش هستند. سبک ساختمان محیط آموزشی، نوع چیدمان کلاس درس و به طور کلی محیط فیزیکی می‌تواند حاوی پیام‌های ضمنی باشد (تقوایی یزدلی، ۱۳۹۲). در راستای این یافته هوراما^۱ (۲۰۱۵) نیز نشان می‌دهد که دسترسی به آزمایشگاه، کتابخانه و متون علمی در گرایش دانش‌آموزان راهنمایی در تانزانیای به رشته علوم تأثیر دارد. کایرو^۲ (۲۰۱۴) هم معتقد است که کمبود کتاب و امکانات آموزشی در مدرسه سبب عدم گرایش دانش‌آموزان به رشته جغرافیا می‌شود.

یکی دیگر از مؤلفه‌های اثر گذار برنامه درسی پنهان بر انتخاب رشته علوم انسانی از سوی دانش‌آموزان دوستان آنها می‌باشد. چرا که گروه همسالان از کودکی تا بزرگسالی بر رفتار افراد اثر می‌گذارد و این تأثیر پذیری در دوران نوجوانی به حداکثر می‌رسد (مقصود گردان و عبداللهی، ۱۳۹۶) و گروه‌های دوستی آثار خاص خود را دارند. تأثیرگذاری هم نشین بر منش و کردار انسان چنان مهم و عمیق است که رسول اکرم (ص) می‌فرماید: انسان بر دین و آیین دوست و هم نشین خود است. از آن جا که دانش‌آموزان، دوستان را همراهان خوبی برای شکوفایی بهتر می‌دانند، از آنها تأثیر می‌پذیرند و این مورد بر مسائل آموزشی آنها نیز مؤثر است

1. Huruma

2. Kiiru

و برخی از آنها متمایل به انتخاب رشته تحصیلی هستند که دوستانشان به آن گرایش دارند (عسکری و همکاران، ۱۳۹۵).

در تبیین این یافته می‌توان گفت فراگیران متعلق به گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی نگرش‌های متفاوتی را با خود به نظام آموزشی می‌آورند که در طی تعاملات آنها با یکدیگر تأثیرات عمیق تربیتی پدید می‌آید (نوروز زاده و فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸) و فراگیران می‌توانند از نفوذ خود در همسالان برای به چالش کشیدن افکار معلمان یا نظم در فراگیران استفاده نمایند (یان و سیوسان^۱، ۲۰۰۷ به نقل از سبحانی نژاد، احمد آبادی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین هم‌راستا با این یافته در تحقیق رحیمی (۱۳۸۰) نیز مشخص شد که ترجیح گروه دوستان و هماهنگی با رشته دوست باعث انتخاب رشته ترجیح داده شده از سوی دانش‌آموز است. لدو^۲، (۲۰۱۱) نیز نشان می‌دهد که تأثیر گروه دوستان سبب انتخاب و برتری دادن رشته ریاضی و علوم بر رشته علوم انسانی از سوی دانش‌آموزان می‌شود.

چهارمین مؤلفه محیط فرا دستی آموزشگاه بود که به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر گرایش یا عدم گرایش دانش‌آموزان به سمت علوم انسانی تأثیر دارد. در واقع برپایی جشنواره‌های مختلف از سوی اداره آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان ریاضی و تجربی و اهمیت دادن به این رشته و دروس پایه سبب گرایش بیشتر دانش‌آموزان به رشته‌های علوم تجربی و ریاضی می‌شود، البته در این زمینه باید اهمیتی که مدارس نمونه و تیزهوشان به دو رشته ریاضی و تجربی می‌دهد را در عدم گرایش دانش‌آموزان به سمت رشته انسانی متذکر شد.

بررسی تفاوت بین دانش‌آموزان دختر و پسر نیز نشان داد در زمینه همه مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در انتخاب رشته علوم انسانی بین دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد و با توجه به بالاتر بودن میانگین رتبه دختران در همه مؤلفه‌ها می‌توان گفت تأثیر این چهار مؤلفه برای دختران نسبت به پسران بیشتر می‌باشد. همسو با این یافته تحقیقی، همچنین امینی، مهدی زاده و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر از نظر مؤلفه رابطه با

1. Yan & Siusuan
2. Iado

بررسی نقش برنامه درسی پنهان در هدایت دانش‌آموزان دوره متوسطه به ...

استاد برنامه درسی پنهان تفاوت معناداری وجود دارد، اما این تفاوت در بین سایر مؤلفه‌ها معنادار نمی‌باشد.

لذا بر اساس یافته این پژوهش پیشنهاد می‌شود که مدارس به نقش و تأثیر مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در هدایت دانش‌آموزان به سمت علوم انسانی توجه نمایند. در واقع دست اندر کاران نظام تربیتی باید نقش ضمنی رفتاری خود را در هدایت دانش‌آموزان به سمت رشته‌های مختلف تحصیلی بشناسند و بدانند که با دادن چند بخشنامه نمی‌توان دانش‌آموزان را به سمت علوم انسانی سوق داد، بلکه باید با انجام کارهای اصولی و نهادینه نگرش فراگیران را نسبت به علوم انسانی اصلاح نمایند، چرا که آینده کشور در دست دانش‌آموزان علوم انسانی می‌باشد.

در این زمینه می‌توان گفت باید در انتخاب معلمان دوره اول متوسطه برای دروس مربوط به علوم انسانی معلمانی متعهد و متخصص را انتخاب نمایند که هم دروس رشته خود را فهمیده باشند و هم به طوری علاقه داشته باشند که سایرین را نیز به سمت آن سوق دهند. فضای آموزشی مدرسه و امکانات آن را طوری ترتیب دهند که مشوق دانش‌آموزان به سمت رشته علوم انسانی باشد. از صاحبان مشاغل علوم انسانی مثل قضات، اساتید دانشگاه، مدیران موفق سازمان‌ها و غیره دعوت کنند تا در مورد رشته علوم انسانی برای دانش‌آموزان صحبت کنند؛ تلاش کنند نگرش منفی برخی دبیران علوم پایه و کادر اداری مدرسه در زمینه علوم انسانی را تغییر دهند و به کلاس‌های انسانی اهمیت دهند و به هر دلیلی این کلاس‌ها لغو نشوند.

منابع

امینی، محمد. مهدی زاده، مریم. ماشاللهی نژاد، زهرا و علیزاده، مرضیه (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان و روحیه علمی دانشجویان. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی،

۸۶-۶۲، ۱۰۳

امینی، مهرداد. مرزوقی، رحمت اله. مزیدی، محمد. ترک زاده، جعفر و محمدی، مهدی (۱۳۹۴). بررسی دستاوردها و پیامدهای برنامه درسی ضمنی دانشجویان در دانشگاه. نظریه و عمل در برنامه درسی، ۳،

(۵)، ۴۴-۲۳.

امین بیدختی، علی اکبر و دارائی، مریم (۱۳۹۰). بررسی علل گرایش کم دانش‌آموزان دختر مستعد به رشته‌ی علوم انسانی در دبیرستان‌های شهر سمنان. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۲ (۵)، ۲۸-۱.

بهرامی نژاد، نوازالله. (۱۳۹۵). چگونه نخبگان را به مدیریت‌های کلان علوم انسانی هدایت کنیم، شیراز: همارا

بیان فر، فاطمه. ملکی، حسن و سیف، علی اکبر. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر برنامه درسی پنهان مدارس بر بازده‌های عاطفی دانش‌آموزان دوره راهنمایی به منظور ارائه مدل. *مطالعات برنامه درسی*، ۵ (۱۷)، ۵۷-۸۵.

تقوایی یزدلی، زهرا (۱۳۹۲). تحلیل وضعیت برنامه درسی پنهان دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه کاشان و ارتباط آن با میزان هوش هیجانی دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کاشان. جانعلی زاده، حیدر. شارع پور، محمود و کاشفی، رضا. (۱۳۹۱). بررسی نقش برنامه درسی پنهان در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. *مطالعات جامعه شناختی جوانان*، ۳ (۸)، ۸۲-۹۱.

حسن تاج، نسیمه (۱۳۸۹). آسیب شناسی تحقق اهداف برنامه درسی دینی دوره متوسطه از منظر برنامه درسی پنهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).

ربانی، رسول و ربیعی، کامران. (۱۳۹۰). ارزیابی انتخاب رشته و تأثیر آن بر رضایت تحصیلی دانشجویان دانشگاه اصفهان. *پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۱۷ (۲)، ۱۲۰-۹۹.

رحیمی، عزیزاله (۱۳۸۰). بررسی تأثیر نظام خانوادگی و آموزشی بر انتخاب رشته دانش‌آموزان دوره متوسطه استان خراسان. طرح پژوهشی. مصوب اداره آموزش و پرورش استان خراسان.

رضا پورمیر صالح، یاسر. شفایی، مریم و براتی، سمیه. (۱۳۹۵). بررسی وضعیت آگاهی، دسترسی و استفاده دانش‌آموزان از منابع اطلاعاتی مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۵ (۶۰)، ۸۳-۶۱.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۹۰). *موانع رشد علمی ایران و راه حل‌های آن*، تهران: شرکت سهامی انتشار

سبحانی نژاد، مهدی. احمدآبادی، نجمه. محمدی، صمد و محمدی، آزاده. (۱۳۹۳). تبیین نقش مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان آموزش عالی در بازتولید سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی. *نامه آموزش عالی* ۷ (۲۸) ۹۷-۱۱۷.

سفارصفت، آزاده. قاسمی، فاطمه. زینالی، محدثه و نجفی، فاطمه السادات. (۱۳۷۸). *بررسی عدم گرایش جوانان به علوم انسانی*. تهران: کنگره ملی علوم انسانی.

سیلور، جی گالن. الکساندر، ویلیام ام. لوئیس و آرتور، جی (۱۳۹۱). *برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر*. ترجمه غلام‌رضا خوی نژاد. مشهد: به نشر

شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. تهران: دبیرخانه شورای عالی

بررسی نقش برنامه درسی پنهان در هدایت دانش‌آموزان دوره متوسطه به ...
صادقی، علیرضا و هواس بیگی، فاطمه. (۱۳۹۵). نقد نظریه رایج برنامه درسی پنهان؛ ضرورت چرخش پارادایمی از برنامه درسی قصد نشده به برنامه درسی قصد شده. **مطالعات برنامه درسی**، ۱۰، ۱۲۱، (۴۰)

صفایی موحد، سعید. باوفا، داوود (۱۳۹۲). به سوی فرانظریه‌ای دیگر برای شناخت برنامه درسی پنهان. **پژوهش در برنامه ریزی درسی**، ۲، (۱۰)، ۹۶-۷۶.

طالبی، ابوتراب، شریفی فدیحی، حسین. (۱۳۹۴). برنامه درسی پنهان در زندگی دانش‌آموزی مقاومت همراه با تابعیت. **جامعه، فرهنگ، رسانه**، ۵ (۱۷)، ۵۷-۷۸.

عسکری، نجمه. سالاری، زبیده و عامری پور، لیل. (۱۳۹۵). بررسی علل گرایش کم دانش‌آموزان دختر مدارس خاص به رشته علوم انسانی. **مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی**، ۲ (۱۳)، ۱۸۲-۱۷۱.

علی‌خانی، محمد حسین. مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۴). بررسی پیامدهای قصد نشده ناشی از محیط اجتماعی مدارس متوسطه شهر اصفهان. **علوم تربیتی و روانشناسی**، ۱۲ (۴)، ۱۴۶-۱۲۱.

فتحی واجارگاه، کورش و واحده چوکده، سکینه. (۱۳۸۵). شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزش متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راهکارهای برای بهبود وضعیت آن. **نوآوری‌های آموزشی**، ۵ (۱۷)، ۱۳۲-۹۳.

فتحی واجارگاه، کورورش و بزرگ، حمیده (۱۳۹۱). شناسایی برنامه درسی پنهان ناشی از محیط فیزیکی دانشگاه. **مطالعات برنامه درسی آموزش عالی**، ۵، ۴۸-۲۶.

فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۶). برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید: شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی. تهران: آبیژ.

کوثری، محمد. (۱۳۹۵). ارزشیابی ملاک‌ها و فرایندهای انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

گال، مردیت. بورگ، والتر و گال، جویس (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. ترجمه احمدرضا نصر و دیگران. تهران: سمت.

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۹). برنامه پنجم توسعه. تهران: مصوب مجلس شورای اسلامی.

مرادی، انسیه و اخوان تفتی، مهدی (۱۳۹۲). بررسی رضایت دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه از انتخاب رشته خویش و عوامل مؤثر بر آن. **روانشناسی تربیتی**، ۹ (۲۸)، ۱۳۷-۱۲۲.

معروفی، زهرا (۱۳۹۵). بررسی ارتباط برنامه درسی پنهان با سازگاری اجتماعی و انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

مقصودگردان، امیر. عبداللهی، درخشان (۱۳۹۶). چه رشته‌ای انتخاب می‌کنید و چرا. رشد آموزش علوم اجتماعی، ۲۰ (۱)، ۵۷-۵۴.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۴). برنامه درسی (نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها). تهران: سمت.

نوروزی چگینی، بهزاد. شیخی فینی، علی اکبر. عصاره، علیرضا و زارعی، اقبال (۱۳۹۵). تبیین اثر برنامه درسی پنهان بر احساس تعلق به مدرسه دانش‌آموزان دوره ابتدایی. **تدریس پژوهی**، ۴ (۳)، ۴۵-۲۲. نویدی، احد. (۱۳۹۶). هدایت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش ایران: تجارب عملی و چالش‌های پایدار. **تعلیم و تربیت**، ۱۳۳، ۹-۲۴.

هاشمی، سید احمد. خدایحشی صادق آبادی، فاطمه (۱۳۹۶). برنامه درسی پنهان و نقش آن در مدارس. **پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری**، ۲ (۸)، ۲۸-۴۲.

- Ausbrooks. R (2000). **What is school hidden curriculum teaching your child?** www.http.parentingteens.com.curriculum.shtm
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology" **Qualitative Research in Psychology**, 3 (2).77-101.
- Cohen, L. Manion, L. & Marrison, K. (2007). **Research methods in education**. New York: Routledge
- Creswell, J. & Plano Clark, V. (2007). **Designing and conducting mixed methods research**, Thousand Oaks: Sage
- Elo, S. Kaarlainen, m. Kanste, o. Polkki, T. Utrianen Kkyngas, H. (2014). "Qualitative content analysis a focus on trustworthiness". **Sage open journal**, 4 (1), 1-10
- Huruma, M. (2015). **Factors influencing the choice of science subjects in secondary school in Tanzania**. Unpublished master's thesis. University of Tanzania.
- Kiiru, I. (2014). **Factors influencing student` choice of geography in public secondary schools in Muranga south sub-county**. Unpublished master's thesis. Kenyatta University.
- Lado, L. M. (2011). **The attitude of first year senior secondary school student toward their science classes in the Sudan**. ERIC
- Landis, J. R., Koch, G. R. (1997). The measurement of observer agreement for categorical data. **Biometrics**, 33 (1), 147-159
- Mtemeri, J. (2017) **Factors influencing the choice of career pathway among high school students in Midlands Province, ZIMBABWE**. Unpublished master's Thesis University of South Africa.
- Zhang, D., Luo. Y. (2016). "Social Exclusion and the Hidden Curriculum: The Schooling Experiences of Chinese Rural Migrant Children in an Urban Public School". **Educational Studies**, 64 (2) , 215-234.